

جرایم علیه اشخاص

مؤلف:

عبدالزهرا بوعذار

* کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی *

استاد دانشگاه

1394

سرشناسه: بو عذار، عبدالزهره، ۱۳۶۳ -
عنوان قراردادی: ایران، قوانین و احکام
عنوان و نام پدیدآور: جرایم علیه اشخاص/مؤلف عبدالزهره
بو عذار.

مشخصات نشر: مشهد: ارسطو، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۱۷۶ ص

شابک: 978-600-7940-64-8

وضعیت فهرست نویسی: فیفا

موضوع: جرایم علیه اشخاص -- ایران

موضوع: حقوق جزا -- ایران

ردیف پندگی: ۱۳۹۴۴۰۴۹KMH ج ۴ پ/ب

پندگی دیویی: ۵۵۰۲۵/۳۴۵

شماره شناسایی ملی: ۳۹۶۰۱۰۰

نام کتاب: جرایم علیه اشخاص

مؤلف: عبدالزهره، عذار

ناشر: ارسطو (با همکاری سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)

صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۴

چاپ: مهتاب

قیمت: ۸۵۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۷۹۴۰ - ۶۴ - ۸

تلفن های مرکز پخش: ۳۵۰۹۶۱۴۵ - ۳۵۰۹۶۱۴۶ - ۰۵۱

پیش گفتار

دو نیمه، دو تمنا

آنچه مرا، تو را و همه آدم ها را از همه موجودات دیگر این عالم هستی جدا می کند، برتری می دهد و متمایز می دارد، وجود دو بعدی و دو سویه ماست که سویی در اتصال و انس با عالم خاک است. مأنوس با آنچه خاکی است و دنیایی، و سویی در اتصال و انس با خداست و مأنوس با آنچه خدایی است و افلاکی. ما در کشمکش این دو نیمه و در میان دو راهی آسمان و زمین، محذیریم که کدام سو را برگزینیم و تمنای کدام نیمه وجود خود را اجابت کنیم. به خواهش نفس خاکی خاک ببندیم و در زیبایی ها، شیرینی ها و شادی های آن غوطه ور شویم یا به تمنای روح، در دنیا بپریم و چشم به خورشید بدوزیم و رو به بالا پرواز کنیم. راستی که چه جولانگه بی انتهای است میدان حضور من و تو در عالم هستی و چه آزمون پرفراز و فرودی است آزمون هستی ما!

نشان کرامت

گیاه جوانه می زند، می روید، می شکفتد، به کمال می رسد و می خشکد. حیوان به دنیا می آید، رشد می کند، زندگی می کند، به کمال می رسد و می میرد؛ اما انسان گیاه نیست، حیوان هم نیست.

او رشد می کند، اما این رشد برای او کمال نیست؛ چون همه وجود او در این رشد خلاصه نمی شود. او رشد می کند و این تنها گوشه ای کوچک از راهی است که او آمده تا ببیماید. انسان رشد می کند و به کمال می رسد، آن گاه که روح او نیز رشد کند و به کمال برسد.

کمال آدمی نه در رشد جسم او، که در کمال روح اوست و این همان دلیل برتری او می باشد. همان دلیلی که او را قوام می بخشد و شرافت می دهد. این همان نشانه کرامت و بزرگواری انسان است در عالم هستی و آنجا که کمال روح در میان نباشد و رشد روحانی او منظور نگردد، تنها و تنها جسم خاکی او رشد کند، پرورش یابد و به تمناهایش برسد، نه برتری، نه کرامت و نه شرافت انسانی معنایی نخواهد داشت و آنجا آدمی چونان چهارپایان است، بلکه فروتر و پست تر..

بار امانت

خداوند آدمی را آفرید. در حام وجودش از میل به راستی ها و کجی ها جرعه ای ریخت. او را بر سر کوهی نشانید تا آن شود که خود اختیار کند، به آنجا رسد که خود برگزیند و بر آن مقام نشیند که خود بخواند. راه علم و دانایی و هشیاری و نیکی و نیکوکاری و کمال را پیوید، یا سر به راه جهل و جدل و کینه و ناپاس و طغیان نهد و برای هر کس، تنها خود اوست که انتخاب می کند، اراده می کند و می خواهد که چه پیش آید و به کجا رسد؟

انسان باری با خود می کشد به نام اختیار که به هر نفس به هر قدم و به هر عمل او را مسئول عمل خود می دارد. این گویی همان باری است که آسمان زمین و کوه را به اقرار ضعفشان کشانید و انسان عهده دار به دوش کشیدن آن شد. خوشا آنان که بار به نزل رسانند و در بارگاه الهی چون امینی درستکار، رو سفید در آیند.

تشنگی بی پایان

تا کجا می رویم؟ این درون تشنه ما کی سیراب می شود؟ پایان راه به دست آوردن ها کجاست؟ آنکه تشنه مال است به کدام دارایی سیراب می شود و آنکه در طمع رفاه و آسودگی است، کجا به نقطه اوج می رسد؟ کجاست پایان راه قدرت و شهرت و هزار

خواهش دیگر این نفس سیری ناپذیر آدمی؟ این تن رنجور و آن روح دردمند تا کجا باید در پی این نفس سرکش حریص بدود و هدر برود؛ حال آنکه او در پی سراب می رود و هر دم تشنه تر از پیش به سراپی دوباره چشم می دوزد. کاش لحظه ای این اسب سرکش بی مهار فرو نشیند و آرام گیرد و مهار به دست روح سپارد. به قطره قطره زلال آنچه روح در پی آن است سیراب شود و ببیند که روح چه شیرین و مطمئن گام بر می دارد، بالا می رود و آدمی را بالا می کشاند. چشمه های واقعی را در می یابد و در خود بر می جوشاند و خود را و همه وجود آدمی را سیراب می کند. کاش این نفس سرکش سیری ناپذیر، لحظه ای مهار خود را به دست روح بسپارد.

سپاسش خواهم گفت

اگر گاه تشنگی ام، دوستی، آشنایی یا حتی بیگانه ای به نیم لیوانی آب میهمانم کند، بارها سپاسش خواهم گفت. اگر در میان ما مانده باشم و یاری یآوری کند، همیشه سپاس گزارش خواهم بود. اگر در پنجه های مرگ بیفتم کسی به نجاتم بیاید، همه عمر مدیونش خواهم ماند. اما چگونه است که سپاس تو را که مرا آفریدی، روحم بخشیدی، زندگی ام دادی و از هر نعمتی لبریزم کردی، از یاد می برم. چگونه است که دین پروردگاری ات را بر دوشم حس نمی کنم و بنده وار و متواضع منت نمی دارم؟ نه اگر حق خدایی تو را بر خود در می یافتم و بنای سپاس تو را بنیان می نهادم، لحظه ای، دمی، نفسی از بیساختگی تو غافل نمی شدم. به هر قدم رضای تو را می جستم و خرسندی تو را می خواستم و به هر نفس تو را می دیدم و به سوی تو می آمدم.

مقدمه مؤلف

انسانیت به عنوان میعادگاه وجدانهای آگاه انسان عصر ما تخیلی شاعرانه نیست بلکه واقعیتی والا و گرانبه است که حفظ و حراست آن تکلیف هر یک از افراد بشری است. تخطی از حدود و تجاوز به آن جرم است و شایسته مجازات. اما موانع بسیار برای اعمال کیفر نسبت به متجاوزان، بحث در قلمرو اجرایی آن را مشتمل می‌سازد. آیا دینسان باید ناامید از مجازات کسانی بود که با جسارت انسانیت را به بازی می‌گیرند؟ به هر حال می‌کنند؟ پاسخ چندان ساده نیست؛ محاکمه افرادی به اتهام جرم عین انسانیت امیدوار کننده است اما دادگاههای داخلی به دلایل متعدد نمی‌توانند پاسخگوی عدلی برای این جریان به خاطر ماهیت آنها باشند. وجود یک قانونگذاری بین المللی متشکل از همه کشورها و یک دادگاه بین المللی جزایی مجهز به مجموعه ای از قوانین و مقررات دقیق که دور از جریانات سیاسی و تبعات به اجرای عدالت بپردازند ضروری است. از دغدغه های اندیشمندان جوامع بشری طراحی و مهندسی شدن به فاصله ایی است که ساکنان آن بتوانند در آسایش و آرامش نسبی زندگی کنند لذا بر این دانشگاه جامع مختلف اهداف عالیه و منزلت های ستایش بر انگیزی را در یک طیف گسترده برای اعضای جامعه مشخص می کنند تا افراد جامعه را بسوی هدفهای تعیین شده سوق دهند از سوی دیگر هنجار شکنی و بزهکاری یک پدیده بسیار پیچیده اجتماعی است که در محیط های مختلف اجتماعی به شکل های متفاوت دیده می شود. تعریف بزه و رفتار بزهکارانه در هر جامعه ای توسط قوانین حقوقی و هنجارهای اجتماعی آن جامعه مشخص می شود در حال حاضر مسئله اجتماعی جزء لاینفک جامعه نوین شده است یعنی نمی توان جامعه ای را پیدا کرد که تحولات مدرن را در بر داشته باشد ولی با مسئله اجتماعی روبرو نباشد. بنابراین مسئله اجتماعی وقتی بروز می کند که بین وضع موجود و وضع مطلوب مردم

تفاوت محسوسی باشد که در صورت تداوم، زمینه های کژ رفتاری را پدید می آورد. در این مورد تفاوتی بین جوامع وجود ندارد بنابر این پیدایش جوامع و ارتکاب جرم از آغاز با یکدیگر همراه بوده اند بطوری که امروزه مسئله کجروی و بزه کاری بصورت یکی از حادثترین مسائل اجتماعی جوامع مختلف در آمده است. حال سؤال اینجاست که انحراف از معیار های پذیرفته شده که در واقع راه رسیدن به آرمان شهر طراحی شده است چگونه اتفاق می افتد؟ چرا کج رفتاری علی رغم همه مجازاتها ادامه می یابد؟ آیا رفتار ناهنجار مربوط به سرشت انسان است که بهنگام تولد شکل می گیرد و آموزش و پرورش در آن بی تاثیر است؟ و یا اینکه افراد در بستر اجتماع ناهمگون تبدیل به انسانهای نابکار می گردند؟

والحمد لله

اهواز - تیرماه / اول رمضان المبارک ۱۳۹۲

عبدالزهرا بوعذار

فهرست مطالب

۱۳.....	فصل اول.....
۳۱.....	فصل دوم.....
۱۱۳.....	فصل سوم.....
۱۳۱.....	فصل چهارم.....
۱۳۹.....	فصل پنجم.....
۱۵۵.....	فصل ششم.....
۱۶۷.....	فصل هفتم.....
۱۷۳.....	منابع و مآخذ.....